



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jclld.liau.ac.ir>

Vol.3, No.3, Issue 11, Autumn 2024, P: 41-56

Receive Date: 2023/10/21

Revise Date: 2024/07/05

Accept Date: 2024/07/10

Article type: Original Research

Online ISSN: 2821-2339

DOI:10.71654/jclld.2024.1184597

**Verifying the authenticity of suicide notes from the perspective of legal linguistics;
Introducing Brown and Clark's theme analysis method**
(A case study of ten examples of suicide notes in Mashhad)

Omid Darbar¹Hamidreza Mirzajani²Abbas Sheikhol-Islami³Azam Estaji⁴**Abstract**

Today, content analysis is widely used in various social sciences including nursing, medicine, religious studies, and fields involving qualitative and text-based research. The process of content analysis is a technique of qualitative data analysis where patterns of meaning in the data are identified. This technique may be used for the in-depth analysis of suicide notes since it could be a good method to analyze the notes and, by so doing, establish their genuineness and veracity. In this article, the various stages, including the Brown and Clarke content analysis method, are presented. The Brown and Clarke content analysis method is based on these six stages: 1. Familiarize yourself with the data, 2. Coding, 3. Coding analysis, 4. Identify and review themes, 5. Preparing the report, 6. Writing up. In this study, by operationalizing the method of Brown and Clarke content analysis and since this was the first attempt to analyze suicide notes in Persian, to be familiar with the method, we analyzed the content of 10 suicide cases from Mashhad city, so that in the analysis we found out that the dominant theme in the first to fourth suicide notes is 'romantic expressions and using loving phrases' and in suicide notes five to ten the main theme and subthemes of the dominant theme 'guidance for the survivors' including financial, emotional and prescriptive directives are observed. Therefore, in the context of this study we can conclude that when suicide note lives are at the core of analyzing content, versus the traumatic events or other social issues such as drinking, financial problems, marital problems, or determination, the content analysis method proves to be successful in bringing out the themes in it, while on the other hand by expanding the research and conducting statistical tests the accuracy and reliability of suicide notes can be confirmed.

Keywords: suicide note, theme analysis, Brown and Clark, health and safety, legal linguistics.

1. PhD student in criminal law and criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. omidarbar1360@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. mirzajani.hamid-reza@hotmail.fr

3. Associate Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. sheikholeslami@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Linguistics, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. estajiz@yahoo.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال سوم - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۱ - پاییز ۱۴۰۳، ص ۴۱-۵۶	Home page: http://jcl.d.liau.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵
نوع مقاله: پژوهشی	شاپا الکترونیکی: ۲۳۳۹-۲۸۲۱
DOI: 10.71654/jcl.d.2024.1184597	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

احراز صحت و سقم یادداشت‌های خودکشی از منظر زبان‌شناسی قانونی؛ معرفی

روش تحلیل مضمون براون و کلارک

(بررسی موردی ده نمونه یادداشت خودکشی در شهر مشهد)

امید دربر^۱

حمیدرضا میرزاجانی^۲

عباس شیخ الاسلامی^۳

اعظم استاجی^۴

چکیده

امروزه، کاربرد تحلیل مضمون، در علوم اجتماعی، پرستاری، پزشکی، علوم دینی و سایر علوم که با پژوهش‌های کیفی و متن پژوهی سر و کار دارند، فراوان است. تحلیل مضمون، روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است و به معنای دیگر، تجزیه و تحلیل الگوهای مضامین در داده‌ها است. این روش کاربردی در تحلیل یادداشت‌های خودکشی می‌تواند روش مناسبی در تحلیل و احراز صحت و سقم آن‌ها باشد. در این مقاله، از روش تحلیل مضمون براون و کلارک، استفاده می‌شود که مبتنی بر شش مرحله است: آشنایی با داده‌ها، کدگذاری، تحلیل کدها، شناسایی و بازمینی مضامین و تهیه گزارشی نهایی. پژوهش گزارش شده در این نوشتار، با تحلیل موردی ده نمونه یادداشت خودکشی در شهر مشهد، نمایان ساخت: در یادداشت‌های اول تا چهارم، مضمون عبارات و ادعاهای عاشقانه و به کاربردن عبارات محبت‌آمیز، به صورت معناداری، تکرار شده است و در یادداشت‌های پنجم تا دهم نیز مضمون اصلی دستور العمل برای بازماندگان و مضامین فرعی آن، مانند دستور العمل‌های مالی، عاطفی و تجویزی، مشاهده می‌شود. این مشاهدات، نشانه‌ی کارآمدی روش تحلیل مضامین، در تحلیل یادداشت‌های خودکشی است و بدین معنا است که با تحقیق جامع‌تر و بهره‌گیری از آزمون‌های آماری می‌توان صحت و سقم یادداشت‌های خودکشی را احراز کرد.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. omidbar1360@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. mirzajani.hamid-reza@hotmail.fr

۳. دانشیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. sheikhoslam@gmail.com

۴. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. estajiz@yahoo.com

واژگان کلیدی: یادداشت خودکشی، تحلیل مضمون یادداشت‌های خودکشی، احراز صحت و سقم یادداشت‌های خودکشی، زبان‌شناسی قانونی.

مقدمه

خودکشی به یکی از مهمترین دلایل مرگ و میر در سطح جهانی تبدیل شده‌است و بیشتر از قتل در اکثر کشورهای جهان رایج است، تا آنجا که میزان وقوع آن تقریباً، ده تا بیست برابر بیشتر از قتل است (ریچی و دیگران، ۲۰۱۵، ۱۰). در کشور آمریکا میزان خودکشی از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۶، ۲۵/۴٪ افزایش یافته‌است. با این روند افزایشی انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۸ در همه‌ی ایالت‌های آمریکا، به جز نوادا، میزان وقوع خودکشی به ۱/۴ میلیون نفر اقدام به خودکشی و بیش از ۴۸۰۰۰ مرگ ناشی از خودکشی برسد که دهمین دلیل اصلی مرگ در ایالات متحده است.^۱ بر اساس آمار پزشکی قانونی ایران در سال ۱۳۹۸، ۵۱۴۳ نفر خودکشی کامل داشتند که نسبت به سال قبل ۰/۸٪ افزایش داشته است؛^۲ اما درخصوص خودکشی‌های همراه با یادداشت در ایران آمار رسمی منتشر نشده‌است. با توجه به بررسی میدانی در این تحقیق، بین ۱۰٪ تا ۲۰٪ موارد در تمام گروه‌های سنی، هنگام خودکشی یادداشتی از خود به جای می‌گذارند (دبر و دیگران، ۱۴۰۱، ۲).

یادداشت‌های خودکشی که اغلب در صحنه‌ی جرم یافت می‌شوند، نقش حیاتی در تحقیقات کیفری دارند؛ چراکه از یک سو منبع اطلاعاتی ارزشمندی برای بررسی مرگ‌های مشکوک هستند و بخشی از شواهدی هستند که برای بازسازی مشخصات قربانی و نتیجه‌گیری درخصوص نحوه‌ی مرگ او، اعم از مرگ طبیعی، تصادف، خودکشی یا قتل استفاده می‌شود (دارکز و دیگران، ۱۹۹۳، ۹)؛ از سوی دیگر کارشناسان بررسی صحنه‌ی جرم را با مشکلات متعددی برای ارزیابی و صحت انتساب آن به متوفی رو به رو می‌کند (آفرین و دیگران، ۲۰۱۵، ۳)؛ با این حال، در حال حاضر تحقیقات تجربی کمی برای کمک به چنین تصمیم‌گیری‌هایی وجود دارد؛ در نتیجه، ارزیابی صحت یادداشت‌های خودکشی به قضاوت انسانی برمی‌گردد و تصمیم‌گیری نادرست در چنین مواقعی مثل بازسازی مشخصات قربانی، نتیجه‌گیری درخصوص نحوه‌ی مرگ و چگونگی ارزیابی صحت انتساب آن به متوفی، ممکن است روند تحقیقات جنایی را طولانی‌تر کرده و باعث اخلال در اجرای عدالت شود (آلت و دیگران، ۱۹۹۴، ۷۲).

این مسأله تنها مختص به ایران نیست و تبدیل به معضل جهانی شده‌است؛ مثلاً، یکی از پرونده‌های جنایی بحث برانگیز در سال‌های اخیر آمریکا، درباره‌ی ادی گیل فویل بود. وی به جهت استناد دادگاه به یادداشت خودکشی منتسب به همسرش، پائولا، به قتل او محکوم گردید. دادگاه با بررسی محتوای زبانی

۱. رک: سازمان رتبه بندی بهداشت آمریکا:

<https://www.americashealthrankings.org/explore/annual/measure/Suicide/state/ALL?edition-year>

تاریخ مشاهده: ۲۰۲۰/۰۳/۱۵

۲. رک: <https://www.asriran.com/fa/news/746095/> تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۶/۲۰

یادداشت به عنوان یکی از مدارک صحنه‌ی جرم و بر اساس قرائن دیگر موجود در پرونده، با این استدلال که ادی یادداشت خودکشی را با بهانه‌ی دروغین به پائولا دیکته کرده است، این حکم را صادر کرد (کانتر، ۲۰۰۵، ۳۳۰).

اکنون مسأله اینجا است که رویکردهای تجربی، مثل کارشناسی جعل، خط و امضاء و... در بررسی یادداشت‌های دست نویس محدودیت‌های بسیار دارند و راهکاری علمی یا تجربی برای بررسی یادداشت‌های الکترونیکی وجود ندارد؛ پس برای احراز صحت و سقم این یادداشت‌ها و کشف حقیقت چه باید کرد؟

در سطح بین الملل، مطالعات بسیاری درمورد یادداشت‌های خودکشی صورت گرفته است، اما بیشتر این مطالعات از منظر روان‌شناسی، روان‌پزشکی و جامعه‌شناسی بوده است و بررسی این یادداشت‌ها از منظر زبان‌شناسی تا حدودی اندک و مربوط به چند دهه‌ی اخیر است (شاپرو، ۲۰۱۱، ۴۸).

تحقیقات تجربی مربوط به تحلیل یادداشت‌های خودکشی از منظر زبان‌شناسی قانونی، دو مجموعه‌ی متغیر را نشان می‌دهد که می‌تواند در پیش‌بینی اعتبار یادداشت‌ها مفید باشد (گریگوری، ۱۹۹۹، ۱۳۱؛ لینارس و بالانس، ۱۹۸۴، ۲۵۲؛ ازگود و والکر، ۱۹۵۹، ۶۰). یک مجموعه از متغیرها مربوط به ویژگی‌های ساختاری زبان است. به‌طور مثال، متوسط طول جمله، درصد اسم‌های مورد استفاده، درصد افعال حرکتی^۱ به کار رفته، درصد افعال شناختی و دیگر متغیرهای مربوط به جنبه‌های محتوایی و مضمونی، مهمترین داده‌های زبانی یادداشت‌ها است (بنل و دیگران، ۲۰۱۱، ۶۷۰).

تحلیل محتوای مضمونی یکی از زیرشاخه‌های روش تحلیل محتوا و از پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است که می‌تواند برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی به کار رود. این نوع تحلیل توصیفی در علوم میان رشته‌ای، در حوزه‌ی علوم انسانی، به‌ویژه زبان‌شناسی، کاربرد فراوانی دارد. سؤال اصلی این مقاله این است: چگونه می‌توان با استفاده از روش تحلیل محتوای مضمونی، به‌عنوان یکی از کاربردی‌ترین روش‌های تحلیل یادداشت‌های خودکشی در زبان‌شناسی قانونی، صحت و سقم این یادداشت‌ها را احراز کرد؟ فرض نویسنده بر این پایه است که می‌توان با به کارگیری این روش و شناسایی مضامین موجود در یادداشت‌های واقعی، معیاری برای تشخیص یادداشت‌های واقعی از ساختگی ترسیم کرد.

با توجه به اهمیت این موضوع برای نویسنده، سعی شده در این مقاله، صرفاً، به معرفی روش فوق و نحوه‌ی کاربرد آن در بررسی یادداشت‌های خودکشی پرداخته شود و در آینده‌ی نزدیک این روش را به صورت مفصل، به همراه تحلیل‌های آماری همسو با این روش، مورد بررسی علمی قرار خواهیم داد.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

یکی از پژوهشگران پیشرو در تجزیه و تحلیل محتوای مضمونی یادداشت‌های خودکشی، ادوین اشنیدمن است که تحقیقات طولانی را درخصوص خودکشی شروع کرد. او برخی اسناد بایگانی را، که از قضا حاوی یادداشت‌های خودکشی بود، بررسی کرد (لازاریدز و سخسا، ۲۰۱۹، ۱۴۹). اشنیدمن و فاربرو، برای اولین بار ۳۳ یادداشت خودکشی واقعی را از دفتر پلیس ایالت لس آنجلس بیرون آوردند و آن‌ها را با یادداشت‌های غیرواقعی افرادی که قصد خودکشی نداشتند، اما به نیت شرکت در این پژوهش، داوطلبانه این یادداشت‌ها را نوشته بودند، مقایسه کردند، تا به ویژگی‌های این یادداشت‌ها پی برده و راهی برای تشخیص یادداشت‌های واقعی از ساختگی پیدا کنند (اشنیدمن و فاربرو، ۱۹۵۷، ۱۹۸).

تحقیقات دیگری که پس از این بررسی انجام گرفت همگی پیرامون مجموعه یادداشت‌هایی بود که اشنیدمن و فاربرو جمع آوری کرده بودند؛ شناخته شده‌ترین و مستندترین مطالعات عبارتند از: مطالعات اشنیدمن و فابرو (۱۹۵۷)، اوزگود و والکر (۱۹۵۹)، گوستچاک و گسler (۱۹۶۰)، استون و اشنیدمن (۱۹۶۶)، ادلمن و رشناو (۱۹۸۲) و گرگوری (۱۹۹۹) (شاپرو، ۲۰۱۱، ۴۸).

طبق بررسی‌های اشنیدمن و ۲۰ سال پس از چاپ ۳۳ یادداشت او، طیفی از مطالعات، جنبه‌های مختلف این یادداشت‌ها را بررسی کردند؛ از جمله «سبک منطقی»^۱ و «خصوصیات زبانی»^۲ را با استفاده از روش‌هایی، از جمله شمارش کامپیوتری «برچسب واژه»^۳ (اشنیدمن، ۱۹۷۹، ۱۵۱). اشنیدمن می‌گوید: در کل، یادداشت‌های خودکشی اصیل دارای منطقی دو شقی^۴، میزان زیادی از پرخاشگری و خود مقصرپنداری، استفاده از اسامی و دستورالعمل‌های مشخص برای باقی ماندگان، قاطعیت بیشتر، شواهد اندکی که نشان دهد فرد به خود «تفکر» فکر می‌کند، و کاربرد واژه‌ی عشق در معانی مختلف هستند (اشنیدمن، ۱۹۷۹، ۱۵۱).

دیگر مطالعات برجسته در تحلیل محتوای مضمونی یادداشت‌های خودکشی عبارتند از: اوزگود و واکر، که دستاورد آنان توجه کردن به تعداد بالاتر عبارات محبت‌آمیز و اصطلاحات مادر، نظم و ترتیب در یادداشت‌های اصیل، و مقدار بیشتر ارجاعات عینی^۵ و مقدار کمتر ارجاعات شناختی بود (ازگود و واکر، ۱۹۵۹، ۶۳). دستاورد گوستچاک و گسler این بود که مجموعه‌ی متغیرهایشان بیش از یک بُعد داشت، و در یادداشت‌های اصیل ارجاع به انسان، اشیاء و روابط فضایی^۶ بیشتر و ارجاع به فرایندها کمتر بود (گوستچاک و گسler، ۱۹۶۰، ۱۹۹).

1. logical styles
2. language characteristics
3. tag words
4. dichotomous
5. concrete
6. spatial relations

به نظر می‌رسد دستاورد اوگیلوی، استون، و اشنیدمن استفاده‌ی آن‌ها از لغتنامه و برچسب زنی معنایی کامپیوتری باشد؛ (اوگیلوی و دیگران، ۱۹۶۶، ۱۶۰)، ادلمن و رنشاو به این نتیجه رسیدند که تحلیل کامپیوتری را با مجموعه‌ای چندبعدی از متغیرها ترکیب کرده و متوجه قطبیت منفی در برخی از عبارات یادداشت‌های اصیل شدند (ادلمن و رنشاو، ۱۹۸۲، ۱۰۹). دستاورد لینارز و رویکرد متفاوت او به مشکل و ابداع مدلی تحت عنوان: «راهنمای موضوعی پیش‌بینی خودکشی» (TGSP)^۱ از طریق تجزیه و تحلیل یادداشت‌های خودکشی می‌پردازد. این شیوه، متشکل از ۳۵ اصل بود و در آن ویژگی‌های روان‌شناختی و دیدگاه‌هایی ارزشمند درباره ذهن متمایل به خودکشی را ارائه کرده بود و اطلاعات موجود در یادداشت‌های مربوط به خودکشی را تفسیر می‌کرد. این پژوهش بعدها موضوع بسیاری از تحقیقات قرار گرفت (لینارز، ۱۹۹۲، ۲۲۸). امروزه این راهنمای موضوعی فقط برای یادداشت‌های مربوط به خودکشی در کشورهای کانادا، ایالات متحده، مجارستان و آلمان به کار می‌رود (اوکانر و شهی، ۱۹۹۹، ۱۰۸).

یکی از تازه‌ترین مطالعات یادداشت‌های خودکشی مربوط به گیلز است که در رساله‌ی دکترای خود، آن‌ها را از منظر روایت شناختی^۲ مطالعه کرده‌است. با وجود اینکه گیلز روان‌شناس است، اما مطالعات خود را برحسب مفهومی که «پدیده‌ی فرا اجتماعی»^۳ می‌نامد، بیان کرده و یادداشت‌ها را با تاریخ دقیقی از نویسنده‌ی آن‌ها بررسی می‌کند (گیلز، ۲۰۰۷، ۱۲۴). گیلز ۱۷۳ یادداشت خودکشی از ۹۵ نویسنده داشت (گیلز، ۲۰۰۷، ۳۲) و از «لغتنامه‌ی محتوا» که ممکن است مدخل‌هایش با محتوای متن مطابقت نداشته باشد، استفاده کرد. هدف اکثر مطالعات مذکور جدا کردن یادداشت‌های خودکشی اصیل و جعلی است و تحقیقات نشان می‌دهد که تاحدی، و نه کامل، به چنین تمایزی دست پیدا کرد (شاپرو، ۲۰۱۱، ۱۲۴). آنچه در پیشینه‌ی پژوهش قابل ملاحظه است، استفاده‌ی همه‌ی آن‌ها از روش تحلیل مضامین است.

۲. روش تحقیق

برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای مضمونی برآون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده می‌شود. این روش تحلیل محتوایی شش مرحله را پیشنهاد می‌کند. در این روش تحلیل‌گر، در مرحله‌ی اول، با عمق و گستره‌ی محتوایی داده‌های موجود آشنا شده و پس از آن اقدام به کد گذاری^۴ واحدهای تحلیل و مضامین می‌کند. این کد گذاری می‌تواند به روش دستی یا با برنامه‌های نرم افزاری انجام شود که در این تحقیق روش دستی مورد استفاده قرار گرفت و در مرحله‌ی سوم در واقع، تحلیل کدها شروع شد تا مجموعه‌ای از مضمون‌ها به دست بیاید. در مرحله‌ی چهارم مجموعه‌ی مضمون‌های ایجادشده بازبینی، تصفیه و به

1. Thematic Guide to Suicide Prediction

2. narrative

3. Ultra- Social Phenomena

۴. کد گذاری (coding) به فرایندی از تحلیل اشاره دارد که از خلال آن مفاهیم تشخیص داده شده و ابعاد و خصوصیات آن در داده‌ها

کشف می‌گردد. (ایمان، محمدیان، ۱۳۸۷، ۴۲)

مضمون‌های اصلی و فرعی تقسیم شد. در مرحله‌ی پنجم مضمون‌های اصلی که برای تحلیل ارائه شده، تعریف و مورد بازمینی مجدد قرار می‌گیرد. پس از آن، داده‌های درون آن، تحلیل می‌شود. مرحله‌ی پایانی زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از مضامین اصلی کاملاً، انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق را در اختیار داشته باشد. این مرحله، شامل مرحله‌ی تحلیل پایانی و نگارش گزارش است (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ۸۷)؛ به همین دلیل، برای درک چگونگی به کارگیری روش تحلیل محتوای براون و کلارک (۲۰۰۶)، این روش را در بستر یادداشت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳. تحلیل داده‌ها

در این بخش نویسنده قصد دارد روش‌های شناخت، طبقه بندی مضامین و روش تحلیل مضمون براون و کلارک را روش تحلیل مضامین یادداشت‌های خودکشی و به صورت عملی در قالب بررسی یادداشت‌ها بررسی و معرفی کند.

۳-۱. روش‌های شناخت مضمون^۱

از آنجا که تحلیل مضمون تحلیلی کیفی است، پاسخ روشنی درباره‌ی میزان داده‌های مناسب و مورد نیاز وجود ندارد که نشان از وجود مضمون باشد؛ بنا بر این، با وجود اینکه قاعده‌ی کاملاً مشخصی درباره‌ی شناخت مضمون وجود ندارد، اما یکی از ویژگی‌های بارز شناخت مضمون در داده‌های متنی را می‌توان «تکرارپذیری» دانست. به همین دلیل، موضوعی را که فقط یک بار در متن داده‌ها تکرار می‌شود را نمی‌توان مضمون تلقی کرد. ویژگی «تکرار» به معنی مشاهده و ظاهر شدن دو یا چند موضوع یا مسأله‌ای در متن است.

ما می‌خواهیم برای نمونه، با بررسی یادداشت‌های شماره‌ی یک تا چهار، نحوه‌ی شناخت مضمون «احساس عشق ورزی به شریک زندگی و بیان کلمات محبت آمیز به نزدیکان» را مورد بررسی قرار دهیم. در بررسی یادداشت‌ها تعداد دفعات تکرار هر مضمون را با کشیدن خط و درج کلمه‌ی «بار» رو به روی مضمون مشخص می‌کنیم.

استخراج مضامین که در این تحقیق، مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد، بر اساس چهارچوب نظری شکل گرفته شده از بررسی محتوای یادداشت‌های خودکشی توسط اوگیلوی، استون و اشنیدمن، لانگر، اسکورفیلد و فینچام، مک‌کلند و دیگران و آئونا و دبوسکا (اوگیلوی و دیگران، ۱۹۶۶، ۵۲۹؛ لانگر و دیگران، ۲۰۰۸، ۳۰۴؛ مک‌کلند و دیگران، ۲۰۰۰، ۲۳۰؛ آئونا و دبوسکا، ۲۰۱۴، ۱۵۴) می‌باشد که در جدول شماره‌ی یک به این مضامین اشاره شده است.

۱. مضمون‌ها پرارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مد نظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف درک می‌شود. این مضمون‌ها فضای خاص و مشخصی را اشغال نمی‌کنند؛ چون یک جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف متن ممکن است فقط یک مضمون داشته باشد (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۳۶).

جدول شماره یک: مضامین پانزده‌گانه

ردیف	مضامین
۱	ادعای عاشقانه و به کار بردن کلمات محبت‌آمیز به بازماندگان
۲	طلب بخشش و عذرخواهی از دیگران
۳	سرزنش کردن خود و احساس گناه
۴	نامیدی از زندگی و اظهار عجز و ناتوانی
۵	سپاسگزاری و تمجید از دیگران
۶	خشم و پرخاشگری
۷	انتقاد نسبت به دیگران
۸	ارجاعات به مسائل متافیزیکی
۹	ارجاعات به مفاهیمی مانند مرگ
۱۰	ارجاعات به مفاهیمی مانند تقدیر، زندگی، جهان، روزگار
۱۱	ارجاع به اشخاص اعم از خانواده و سایر نزدیکان فرد
۱۲	اطلاعات
۱۳	دستورالعمل‌ها
۱۴	مفاهیم دعایی و آرزویی
۱۵	خداحافظی و وداع

۳-۱-۱. یادداشت شماره‌ی یک:

مربوط به مرد جوانی است که در نتیجه‌ی فشارهای مالی و روانی دست به خودکشی زده و یادداشتش را خطاب به همسر دومش (صیغه‌ی موقت)، این‌گونه شروع می‌کند:

«سلام به عشق پاک و زلالم؛ سحر عزیزم (بار اول). سحر! شاید، وقتی این نامه رو می‌خونی، من نباشم؛ ولی بدون که با تمام وجود دوست داشتم (بار دوم). تو یک عشق واقعی بودی (بار سوم). ای کاش، قبل از ازدواجم می‌دیمت! ... می‌دونی: من عاشقت بودم و از ته دل دوست داشتم (بار چهارم)؛ اون چشمت! اون خنده‌هات! و ...».

۳-۱-۲. یادداشت شماره‌ی دو:

مربوط به خانم جوانی است که به دلیل مشکلات عاطفی با نامزدش، خودش را حلق آویز می‌کند و او را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

«خدا حافظ عشقم (بار پنجم)! منو ببخش! ما با هم نمی‌تونیم بمونیم. قول بده تا آخر به یادم باشی. به خدا خیلی دوست دارم (بار ششم). کاش می‌شد با هم بمونیم، ولی نمیشه! اینو بدون تا آخر بیادتم. فراموشت نمی‌کنم. ببخش! این نامه رو با عجله نوشتم. اگر چیزی جا موند، منو ببخش! خیلی دوست دارم (بار هفتم)». RM امضا زده است.

۳-۱-۳. یادداشت شماره‌ی سه:

یادداشت پسر جوانی است که به دلیل مشکلات روانی و افسردگی، با خوردن قرص متادون خودکشی کرده بود:

«وصیت می‌کنم روی سنگ قبرم بنویسند: ... پدر! هیچ وقت نمی‌تونم محبتات رو جبران کنم. مردتر از تو، تو این دنیا ندیدم. ایشالا، همیشه سلامت باشی! منو ببخش، این قدر رنجوندمت! جوونی کردم. نادون بودم. منو ببخش! نذار بعد رفتن من مامانم گریه کنه؛ بشکنه! حواست به خواهرم باشه! مادر! به خدا، یه دونه‌ای؛ عاشقتم (بار هشتم). تو نمازات، دعای کن! من به خاطر دعای تو، به این جاهای خوب رسیده و به خدا، شرمنده، نتونستم واستون پسر خوبی باشم!».

۳-۱-۴. یادداشت شماره‌ی چهار:

یادداشت زن جوانی است که به دلیل مشکلات عاطفی از خانه فرار می‌کند و به دنبال معشوق خود، به شهر دیگری سفر می‌کند و در آنجا به دلیل طرد شدن از طرف معشوق خود، از طبقه‌ی سوم هتل آپارتمانی خود را پرت می‌کند.

«سلام عشقم! (بار نهم) خوبی نفسم! (بار دهم) خیلی دوست دارم (بار یازدهم). ببخشید. بهت دروغ گفتم. بیشتر از همه، دوست دارم (بار دوازدهم). طاقت این زندگی رو ندارم. بسیار عاشقتم (بار سیزدهم). یه حرفایی به خدا دارم. از اینجا نمی‌شه گفت. می‌رم رو در رو، بهش بگم. خدایا! یکی که عشقم دوشش داره، سر راهش قرار بدی! خدایا! خستم از این روزگار نامردت! همه، پشت تلفن، عالی ین، ولی می‌بینی رو در ور، صفت واقعیسیون رو نشون می‌دن».

همان‌گونه که مشاهده کردیم وجه مشخصه‌ی تکرار در مضامین، که یکی از روش‌های شناخت مضمون است، در چهار یادداشتی که ذکر شد، به وضوح قابل مشاهده است. آنچنانکه در متن یادداشت‌ها نیز به صورت معناداری، مضمون احساس عشق ورزی به شریک زندگی و بیان کلمات محبت آمیز به نزدیکان تکرار شد.

۳-۲. نوع شناسی مضمون

با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب نظران، عناوین و طبقه بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران مضامین را با لحاظ ماهیت و برخی دیگر به جهت سلسله مراتب آن‌ها را در تحلیل مضمون دسته بندی کرده‌اند.

می‌خواهیم با بررسی مضمون «دستور العمل‌ها برای بازماندگان» در چند یادداشت زیر چگونگی طبقه‌بندی مضامین را نشان دهیم.

۱-۲-۳. یادداشت شماره‌ی پنج:

مربوط به مرد میانسالی است که به دلیل اختلافات خانوادگی با همسر دومش، دست به خودکشی می‌زند. «وصیت می‌کنم: بعد از مرگم، نصف حقوقم، به پسر: سید مجتبی ...، به شماره ملی: ... برسد که هم اکنون با مادرش، خانم: زهرا ... زندگی می‌کند و الباقی حقوقم، به طور مساوی، بین دخترانم: رؤیا ... که ساکن ... است و با مادرش خانم: ملیحه ... زندگی می‌کند و آیشا سادات ... که با مادرش خانم: زهرا ... زندگی می‌کند، تقسیم شود. یک باب منزل مسکونی واقع در ... دارم که آن را با تمام وسایلی که در آن موجود است، به پسر: سید مجتبی ... واگذار می‌کنم. ماشینم که پی‌کی‌ای مدل ۱۳۸۴ است را هم به پسر و اگذار می‌کنم».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود: این یادداشت مشحون از دستور العمل‌های مالی برای بازماندگان است.

۲-۲-۳. یادداشت شماره‌ی شش:

مربوط به جوانی متأهل، بدون سابقه‌ی بیماری روانی است که به دلیل ورشکستگی مالی و اختلافات خانوادگی با همسر دومش اقدام به خودکشی می‌کند.

«سلام به عشق پاک و زلالم؛ سحر عزیزم. سحر! شاید، وقتی این نامه رو می‌خونی، من نباشم، ولی بدون که با تمام وجود دوست داشتم. تو یک عشق واقعی بودی. ای کاش، قبل از ازدواجم می‌دیدمت! ... می‌دونی: من عاشقت بودم و از ته دل دوست داشتم؛ اون چشمات! اون خنده‌ها! و... سحر! من، کم آوردم. همه جور از زندگی، از دنیا، همه جور کشیدم. درست پیش نمی‌رفت دیگه. من مجبور شدم به این کار؛ اولاً، فشار مالی زیادی روم بود. تا آخر برج، همه چی درست می‌شه؛ پول خوبی قراره به دستم بیاد؛ ولی ۸۰ درصد بود؛ معلوم نبود؛ شاید بازم به هم می‌خورد؛ بعدش دیگه تحمل نداشتم. هیچ کس مقصر نیست. من همیشه، بهت می‌گفتم: مغازم سود دهی نداره. بعد از این هم، تو دیگه منو برای همیشه، پس زدی و نا محرم خوندی و این، اصلاً، برام قابل هضم نبود.

سحر! فکر و خیال همه‌ی اینا داشت منو از پا درمی‌آورد که مجبور شدم همچین کاری بکنم.

عزیز دلم! به هر حال، این بود ماجرای رفتنم. حالا چند خواهش دارم ازت.

وصیت من: سیم‌کارتات و خونه‌ات رو سریع عوض کن! (دستورالعمل عاطفی). برای خانواده‌ام، مخصوصاً آسیه، نه پیامی، نه عکسی، هیچی نفرست! لطفاً! (دستورالعمل عاطفی). این‌ها بعد رفتنم فشار روشن هست، کمرشون می‌شکنه. خواهش می‌کنم: بذار این اتفاقات بین خودمون بمونه. سحر! به جواد بگو: برات پول، شاید جور کنه که مدیونی من پشت تو نمونه. به جواد بگو: با مسعود هم صحبت کنه؛

ولی بهش نگه برای توئه (دستورالعمل مالی). عشق و زندگیم! تا زمانی که این عکسا، لازمت شد نگه دار، هروقت دیدی اذیت می‌شی، همه رو از بین ببر! سحر! منو حلال کن! عشق و زندگی، دوست دارم.

امضاء ... ساعت: ۲/۲۰ دقیقه شب پنج شنبه»

وی، اینجا، یادداشت را ادامه داده و گویا، این یادداشت دیگری است که برای همسر اولش نوشته

است:

«می‌دونم، شاید تو هم داغون بشی، ولی باید به فکر آینده‌ی علی و عسل باشی! خودتو از بین نبر! بذار آرزوهات، ازدواج علی و عسل، برآورده بشه! (دستورالعمل عاطفی). منم، با مرور زمان از یاد می‌رم. این نامه، یک راز بین من و تو و خدای خودمون باشه! هیچ کس نذار بفهمه! شاید! از زبون همه بشنوی: من سخته کردم. این، درخواست خودمه که نامه می‌نویسم که این جور ی بگن. دیگه حرفی ندارم. فقط مواظب خودت و بچه‌ها باش! (دستورالعمل عاطفی). سید حمید رو محکم بچسب! به ناصر هم چیزی نگو، از من و نامه؛ ... منو خیلی اذیت کرد، ولی من می‌بخشمش».

۳-۲-۳. یادداشت شماره‌ی هفت:

مربوط به مرد میانسالی است که سابقه‌ی بیماری روانی و اعتیاد به مواد مخدر داشته و با همسر خود اختلافات عمیقی داشت.

«تو هم برو! با همان کسی که بودی و دوست داشتی باش! تو، آزادی از نظر من و من دیگه، هیچ فامیلی با تو و خانواده‌ات ندارم. تو توی زندگی با من، خیلی رنجم دادی. حس عشق و احساس تفاهم نداشتی. حالا، برو با هرکس که می‌دانی خوشبخت می‌کنه، باش و زندگی کن! (دستورالعمل تجویزی)».

۳-۲-۴. یادداشت شماره‌ی هشت:

«سلام بر میثم خان! خوبی شما؟ آخ! ببخشید میثم! آه! ولش کن اصلاً، عشقم! میثم! تو، همه‌ی زندگی منو می‌دونی. (ببخشید که بد خط هستم). لازم به تعریف دوباره نیست. کاش! قبل شهرام می‌دیدمت، اما نشد! حیف! شاید، این حرف‌ها به نظرت خنده دار بیاد، ولی من با تو، معنی عشق و دوست داشتن رو فهمیدم. نمی‌دونم، منو آن قدری که دوست داشتیم، دوسم داشتی یا نه؟ ولی از ته دلم دوست داشتم و خواهم داشت».

میثم! خوب می‌دونی که اگه من بر می‌گشتم و طلاق هم می‌گرفتم، نمی‌تونستیم با هم باشیم؛ پس، مرگ رو به بدون تو موندن ترجیح می‌دم. ببخش منو عشقم! نفس تینا! گاهی فاتحه‌ای، صلواتی، فحشی برام بفرست. برای عروست کادو گرفتم. از طرف من بهش بده! لطفاً! (دستورالعمل تجویزی).

میثم، ازت می‌خوام ازدواج کنی؛ خوشبخت شی! به جای منم زندگی کن! (دستورالعمل تجویزی). به زنت آن قدر محبت کن که به مرد دیگه‌ای، حتی نگاه نکنه! نذار مثل من، عقده‌ی یه دوست دارم گفتن، از شوهرش داشته باشه! میثم! دوست دارم».

۳-۲-۵. یادداشت شماره‌ی نُه:

«هیچ کس در مرگ من مقصر نیست و همسرم را اذیت نکنید! شاید بای ساید و تلویزیون و ربع سکه‌ام و ماشین لباسشویی‌ام را بفروشید و خرج کفن و دفن کنید! (دستورالعمل مالی). مرا در بهشت رضا دفن کنید! کلاً، از زندگی نا امیدم و مشکلات روحی روانی شدیدی دارم که دیگر حاضر به زندگی کردن نیستم و می‌خواهم خود را دار بزنم. از همه‌ی بستگان نزدیکم عذرخواهی می‌کنم».

پس از بررسی یادداشت‌ها، مشاهده می‌کنیم: دستورالعمل‌ها حاوی کلمات امری و جملائی است که غالباً، متوفی، در آن وابستگان خود را مخاطب قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که اموراتش، اعم از مالی، عاطفی و تجویزی را بعد از او سامان دهی کنند (بیشتر وصایای مالی).

می‌توان این دستورالعمل‌ها را بر اساس محتوای یادداشت‌های خودکشی، به سه دسته تقسیم کرد: دستورالعمل‌های صرفاً مالی (وصیت) که حاوی کلمات و جملائی امری است و متوفی از بازماندگان می‌خواهد: پس از او، برای سامان بخشیدن به امور مالی زندگی‌اش آن‌ها را انجام دهند.

دستورالعمل‌های عاطفی که حاوی کلمات و جملائی است که متوفی، توصیه‌هایی تحت عناوینی مثل: جلب حمایت عاطفی برای وابستگان خود، یا توصیه به خویشانداری آن‌ها، پس از مرگش دارد و یا توصیه‌های مراقبتی که جنبه‌ی امری احساسی دارد و برای افراد خانواده و حلقه‌ی دوستان و آشنایان بیان می‌دارد.

و دستورالعمل‌های تجویزی که متوفی با وجودی که به صورت امری دستوراتی را به خانواده‌ی خود می‌دهد، اما در فحوای جملائی، نوعی تجویز به کاری نهفته است.

۳-۳. روش تحلیل مضمون براون و کلارک

روش تحلیل مضمونی، شش مرحله را پیشنهاد می‌کند. در این روش، تحلیل‌گر، ابتداء، در مرحله‌ی اول، با عمق و گستره‌ی محتوایی داده‌های موجود آشنا شده و پس از آن، اقدام به کد گذاری واحدهای تحلیل مضامین می‌کند. این کد گذاری می‌تواند به روش دستی یا با برنامه‌های نرم افزاری انجام شود که در این پژوهش روش دستی مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله‌ی سوم، تحلیل کدها شروع می‌شود، تا دسته‌ای از مضمون‌ها به دست بیاید. در مرحله‌ی چهارم، مجموعه‌ی مضمون‌های ایجادشده، بازبینی و تصفیه شده و شکل‌دهی به مضمون‌های اصلی و فرعی انجام می‌شود. در مرحله‌ی پنجم، مضمون‌های اصلی که برای تحلیل ارائه شده، تعریف و مجدد بازبینی می‌شود و پس از آن، داده‌های درون آن را تحلیل می‌کنند و مرحله‌ی پایانی، زمانی شروع می‌شود که محقق، دسته‌ای از مضامین اصلی کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای پژوهش را در اختیار داشته باشد. این مرحله، شامل مرحله‌ی تحلیل پایانی و نگارش گزارش است (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ۷۶)؛ به همین دلیل، برای درک چگونگی به کارگیری روش تحلیل مضمونی براون و کلارک (۲۰۰۶)، این روش را در بستر یادداشت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قدم اول، آشنایی با عمق و گستره محتوایی موجود در یادداشت‌ها، براساس چهارچوب نظری مورد اشاره در بند چهارم از این گفتار است. نمود این مرحله را می‌توان در شناسایی مضامین براساس چهارچوب نظری مورد اشاره دانست. در این قسمت با ذکر مثالی از یادداشت‌ها، مراحل چندگانه روش تحلیل مضمونی براون و کلارک را در آن پیاده‌سازی کرده‌ایم.

۳-۳-۱. یادداشت شماره ده:

«سلام! وقتی این نامه رو پیدا می‌کنین، من دیگه نیستم. حلالم کنین! مامان خوبی؟ حرفی برای گفتن ندارم. فقط دُوست دارم (کد شماره‌ی ۱) و حلالم کن!»

سلام آبجی! خوبی؟ مراقب زندگیت باش! قدرشو بدون! بیخیال غم و غصه! تو می‌تونی! بگو: یا الله! پاشو! بازم مثل همیشه، خانواده رو جمع و جور کن!

سلام یعقوب! خوبی عشقم؟ (کد شماره‌ی ۱). می‌دونم بهت بد کردم داداش! ولی شرمندم؛ نمی‌تونم این دنیا رو تحمل کنم داداش! آخرین خواسته‌ی من اینه اگه یه ذره هم برات ارزش دارم، حرف عمه رو گوش کن و ازدواج کن!

و سلام بر یونس خودم! خوبی داداش؟ دُوست دارم (کد شماره‌ی ۱). تو بودی که همیشه پای درد دلام نشستی یه عمره. ازت ممنونم. کادوی تولدت هم خریدم. ببخش که خودم نیستم بهت بدم. یزدانو ببوس و یعقوب! دُوست دارم داداشم.

و حالا اصل کاری؛ سیزده دن قالان نجورش قاردان یاشار. ببخش! بهت بد کردم نفسم! (کد شماره‌ی ۱). دیگه نمی‌کشم. مواظب همه باش! دوستون دارم (کد شماره‌ی ۱). تینا»

با بررسی عمق و گستره‌ی محتوایی یادداشت فوق، کلماتی مثل: «حلالم کنین!» (عذرخواهی و طلب بخشش از دیگران)، «دوست دارم» (عبارات و ادعاهای عاشقانه و به کار بردن عبارات محبت‌آمیز)، «مراقب زندگیت باش! قدرشو بدون! بی‌خیال غم و غصه!» (دستور العمل مراقبتی)، «نمی‌تونم این دنیا رو تحمل کنم» (ناامیدی از زندگی و احساس عجز و ناتوانی در غلبه‌ی بر مشکلات)، «ازت ممنونم» (سپاس‌گزاری و تمجید از دیگران)، «ببخش! بهت بد کردم» (سرزنش خود و احساس گناه) را مشاهده می‌کنیم که حاوی مضامین موجود در چهارچوب نظری ارائه شده می‌باشد؛ به عبارتی، واحدهای تحلیل مضامین را این‌گونه شناسایی می‌کنیم.

در گام بعدی، مضامین شناسایی شده برای تعیین میزان فراوانی و تکرار پذیری، به صورت دستی کد گذاری شد؛ مثلاً، کد شماره‌ی یک را به مضمون عبارات و ادعاهای عاشقانه و به کار بردن عبارات محبت‌آمیز اختصاص دادیم و هر جا در متن یادداشت‌ها این مضمون مشاهده شد، با کد گذاری از دیگر مضامین جدا کردیم. در گام سوم، کدهای اختصاص داده شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. این مضمون با توجه به شمارش کدهای اختصاصی، پنج بار تکرار شد. میزان فراوانی و تکرار پذیری این مضمون، این‌گونه

به دست می‌آید. در مرحله‌ی چهارم و پنجم، کدها توسط محقق و ارزیاب‌ها مورد بازبینی قرار گرفته و بر اساس آن، شکل‌دهی مضامین نهایی می‌شود؛ مثلاً، در یادداشت بالا، عبارات و ادعاهای عاشقانه، مثل کلمات: «عشقم»، «نفسم» و «عزیزم»، به همراه عبارات محبت‌آمیزی مثل: «دوست دارم»، «فلانی را ببوس!» و... مشاهده می‌شود که در مرحله‌ی بازبینی مضامین، این دو مضمون، با هم ادغام شده و یک مضمون شکل می‌گیرد. در این مرحله، با گذار از مراحل قبل، داده‌هایی داریم که برای تحلیل پایانی و گزارش‌دهی آماده است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو، ابتداء، نویسنده، روش تحلیل محتوای زبانی مضامین یادداشتهای خودکشی را معرفی و پس از آن، به تحلیل موردی ده نمونه یادداشت خودکشی، اقدام کرده است.

یکی از شاخصه‌های شناخت مضمون در محتوا، تکرار پذیری آن در یادداشت‌ها است. تکرار، به معنای مشاهده و ظاهر شدن دو یا چند مورد در متن است. در یادداشت شماره‌ی یک، همان‌گونه که مشاهده شد، مضمون احساس عشق ورزی به شریک زندگی و بیان کلمات محبت‌آمیز به نزدیکان با بیش از چهار بار تکرار، صرفاً، در یک یادداشت، نشان از این است که می‌توان آن را یک مضمون در یادداشت‌ها محسوب کرد؛ کما اینکه این مضمون، در هفت یادداشت دیگر هم مکرراً، تکرار شد و در مجموع، در ده یادداشت دیگر، هفت بار، یعنی: با فراوانی ۷۰ درصد مشاهده شد.

پس از شناخت معیارهای شناسایی و طبقه‌بندی مضامین در یادداشت‌ها که در یک تا نه مورد بررسی شد، نویسنده در یادداشت دهم اقدام به بررسی نحوه‌ی تحلیل مضامین، به روش براون و کلارک می‌کند، تا با این کار، علاوه بر معرفی این روش، در تحلیل یادداشتهای خودکشی، به صورت عملی، نحوه‌ی کارکرد آن را نیز بررسی کند. با به کارگیری این روش و با شناخت عمیقی که پس از بررسی محتوا و کد گذاری آن‌ها حاصل می‌شود، مضامین اصلی و فرعی شکل می‌گیرد؛ برای مثال، در بررسی یادداشتهای ششم تا دهم و شناسایی مضمون اصلی دستور العمل‌ها برای بازماندگان، مضامین فرعی دستور العمل‌های عاطفی، مالی و تجویزی نیز شناسایی شد و یا در یادداشتهای یکم تا پنجم، مضامین احساس عشق ورزی به شریک زندگی و بیان کلمات محبت‌آمیز، با توجه به وجود همپوشانی با یکدیگر ادغام شدند و یک مضمون اصلی تحت عنوان: «مضمون احساس عشق ورزی به شریک زندگی و بیان کلمات محبت‌آمیز به نزدیکان»، شکل گرفت.

پس از این مراحل، مضمون‌های شناسایی شده، دوباره توسط خود نویسنده و ارزیاب‌ها مورد بازبینی مجدد قرار می‌گیرد تا از شباهت‌ها پیش آمده در تعیین مضامین و کد گذاری‌ها جلوگیری شود. پس از آنکه

مجموعه‌ای از مضامین اصلی، فرعی و ادغام شده را در اختیار داریم، نوبت به تحلیل پایانی و نوشتن گزارش و تحلیل‌های آماری می‌رسد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود: با افزایش حجم نمونه‌های مورد بررسی، امکان مطالعه‌ی سایر مضامین یادداشت‌های خودکشی، یافتن مضامین مختص یادداشت‌های ایرانی، سنجش سطح معناداری^۱ و تکرار پذیری مضامین و دیگر آزمون‌های آماری مرتبط، و همچنین ارائه‌ی تحلیل مقایسه‌ای از یادداشت‌های واقعی و غیر واقعی در مطالعات آتی فراهم شود، تا بتوان از نتایج حاصله در احراز صحت و سقم یادداشت‌های خودکشی بهره گرفت.

کتابشناسی

۱. ایمان، محمد تقی؛ محمدیان، منیژه (۱۳۸۷)، *روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی*، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۴ (۵۶)، ۳۱-۵۴.
۲. دربر، امید؛ میرزاجانی، حمیدرضا؛ شیخ‌الاسلامی، عباس؛ استاجی، اعظم (۱۴۰۱)، *تحلیل محتوای زبانی مضامین یادداشت‌های خودکشی*، مطالعه‌ی موردی ۳۰ نمونه در شهر مشهد، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۱۴(۲)، ۱-۲۹.
۳. عابدی، جعفر، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، ۱۵۱-۱۹۸.
۴. معروفی، یحیی؛ یوسف‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۸)، *تحلیل محتوا در علوم انسانی*، همدان، سپهر دانش.
5. Ault, R. L., Hazelwood, R. R., & Reboussin, R. (1994), **Epistemological status of equivocal death analysis**, AMERICAN PSYCHOLOGIST, 49(1), 72-73.
6. Braun, V., & Clarke, V. (2006). **Using thematic analysis in psychology**, Qualitative research in psychology, 3(2), 77-101.
7. Bennell, C., Jones, N. J., & Taylor, A. (2011), **Determining the authenticity of suicide notes: Can training improve human judgment?** Criminal Justice and Behavior, 38(7), 669-689.
8. Canter, D. (2005), **Suicide or Murder: Implicit Narratives in the Eddie Gilfoyle Case** (From Forensic Psychologist's Casebook: Psychological Profiling and Criminal Investigation, P 315-333, 2005, Laurence Alison, ed.--See NCJ-210952)
9. Darkes, J, Otto, R., Poythress, N., & Starr, L. (1993), **APA's expert panel in the congressional review of the USS Iowa incident**, American Psychologist, 48, 5-15.
10. Edelman, Ann M. & Renshaw, Steven L. (1982). **"Genuine versus Simulated Suicide Notes: An Issue Revisited Through Discourse Analysis"**. Suicide and Life Threatening Behaviour. 12(2), 103-113.
11. Giles, S. P. (2007). **The final farewell: Using a narrative approach to explore suicide notes as ultra-social phenomena** (Doctoral dissertation, University of Liverpool)
12. Gregory, Adam. (1999), **"The Decision to Die: The Psychology of the Suicide Note"**. In Canter, D. & Alison, L. (Eds.) Interviewing and Deception. Offender Profiling Series, Volume 1, Ch. 7, Aldershot: Ashgate Publishing.
13. Gottschalk, L. A., & Gleser, G. C. (1960), **An analysis of the verbal content of suicide notes**, British Journal of Medical Psychology, 33, 195-204.
14. Hannah Ritchie, Max Roser and Esteban Ortiz-Ospina (2015) - **"Suicide"**. Published online at [OurWorldInData.org](https://ourworldindata.org/suicide). Retrieved from: 'https://ourworldindata.org/suicide' [Online Resource]

1. statistical significanc

هرگاه، احتمال وقوع اتفاقی تصادفی، بسیار کم بوده باشد، به عبارت دیگر، به احتمال زیاد دارای دلایلی غیر از شانس بوده است، آن را به لحاظ آماری،

معنادار می‌گویند (سیرکین، ۲۰۰۵، ۲۷۵)

15. Ogilvie, D. M, Stone, P. J, Shneidman, E. S. (1966). **Some characteristics of genuine versus simulated suicide notes** (pp. 527-535). Cambridge, MA: MIT Press
16. Shneidman, E.S. (1979). "An Overview: Personality, Motivation, and Behaviour Theories". In Hankoff, L.D. & Einsidler, Bernice (Eds.). **Suicide: Theory and Clinical Aspects**. Ch.12, p.143-163. Massachusetts: P.S.G. Publishing Company Inc
17. shneidman, E. S, & Farberow, N. L. (1957). Some comparisons between genuine and simulated suicide notes in terms of Mowrer's concepts of discomfort and relief. *The Journal of general psychology*, 56 (2)
18. Ioannou, M, & Debowska, A. (2014). Genuine and simulated suicide notes: An analysis of content. **Forensic science international**, 245, 151- 160.
19. Lazarides A, Wassenaar DR, Sekhesa T. A thematic content analysis of suicide notes from South Africa. **South African Journal of Psychology**.2019;49 (1):148-159.
20. Langer, S., Scourfield, J., & Fincham, B. (2008). Documenting the quick and the dead: A study of suicide case files in a coroner's office. **The Sociological Review**, 56(2), 293-308- p – 304
21. Leenaars, A. A. (1992). Suicide notes from Canada and the United States. *Perceptual and Motor Skills*, 74(1), 278-278. Leenaars, A. A, & Balance, W. D. G. (1984). A logical empirical approach to study of suicide notes. **Canadian Journal of Behavioral Science**, 16, 249-256
22. McClelland, L, Reicher, S, & Booth, N. (2000). A last defence: The negotiation of blame within suicide notes. **Journal of community & applied social psychology**, 10(3), 225-240.
23. O'Connor, R. C, Sheehy, N. P, & O'Connor, D. B. (1999). A thematic analysis of suicide notes. *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention*, 20(3), 106
24. Osgood, C. E. & WM Jm R, E. (1959) Motivation and language behaviour: a content analysis of suicide notes. **Journal of Abnormal and Social Psychology**, 59, 58-67
25. Suicide or Murder: Implicit Narratives in the Eddie Gilfoyle Case (From Forensic Psychologist's Casebook: **Psychological Profiling and Criminal Investigation**, P 315-333, 2005, Laurence Alison, ed.--See NCJ-210952)
26. Tarannum, Afreen & Singh, Vinay & Sharma, Nidhi & Saran, Vaibhav. (2015). Suicide Notes on Unconventional Surface: A Trending Challenge. **IJournals: International Journal of Social Relevance & Concern** 3 (5)
27. Shpero, Jess Jann. **The language of suicide not** .Diss University of Birmingham, 2011, p.48

– عصرایران، (۲۰ شهریور ۱۳۹۹)، آخرین آمار خودکشی ایران، برگرفته از سایت:

<https://www.asriran.com/fa/news>

– رتبه بندی سلامت ایالات متحده (۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰):

<https://www.americashealthrankings.org/explore/annual/measure/Suicide/state/ALL?edition-year =2020>